

## سبک‌شناسی مواجهه عالمان اهل سنت در تقابل با انحرافات مهدویت

نعمت‌الله صفری فروشانی<sup>۱</sup> - مسلم کامیاب<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مباحث قابل طرح در اندیشه مهدویت، بررسی نقش عالمان اهل سنت در مواجهه با انحرافات موجود در این آموزه است. با وجود رویکرد فراگیر به مسئله انحرافات مهدویت، درباره نقش عالمان اهل سنت و سبک‌شناسی مواجهه آنان با انحرافات مهدوی، کاوش‌های چندانی صورت نگرفته است.

این جستار براساس اهمیت موضوع و با رسالت شناساندن سبک‌ها در سیره اندیشمندان اهل سنت، در انحراف‌زدایی از آموزه مهدویت، با روش توصیفی-تحلیلی به فرجام رسیده است. در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی جریان شناسی رویکرد اهل سنت به آموزه مهدویت، به دوسبک عمده آنان در مسئله مهدویت اشاره شود:

سبک نخست با رویکرد حدیثی در قالب تبیین آموزه مهدویت، شخصیت‌شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و علائم ظهور سامان یافته است. معرفی ماهیت انحرافی مدعیان، برگزاری مناظره، نهی از تعامل و برخورد قاطع با مدعیان دروغین، نوع دوم سبک‌شناسی اندیشمندان اهل سنت در مواجهه با انحرافات مهدویت است.

واژگان کلیدی: مهدویت - عالمان اهل سنت، سبک‌شناسی، انحرافات حدیثی، مدعیان دروغین.

---

nsafari8@gmail.com

۱. استاد گروه تاریخ اسلام جامعه المصطفی العالمیه

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی قم (نویسنده مسئول)

moslemkamyab61@gmail.com

اعتقاد به مسئله مهدی موعود و ظهور ایشان در آخر الزمان، یکی از اندیشه‌های اسلامی معرفی شده و به این مقوله نزد اکثر اهل سنت مورد قبول واقع گردیده است (خسروشاهی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸ و فقیه ایمانی، ۱۴۰۲: ص ۲۳۷-۲۶۷). نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را ایراد فرمود، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود (طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۶۷؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۱۳؛ ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ ابی داود، بی تا: ج ۴، ص ۱۰۶ و ۱۰۷ و ترمذی، ۱۹۹۸: ج ۴، ص ۷۵).

با این وصف، این اندیشه پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله مورد سوء استفاده فرصت طلبان قرار گرفت و افراد مختلف، با توجه به شرایط زمانه و انگیزه‌های گونه‌گون، این اندیشه ناب را به تحریف کشاندند.

از طرفی دیگر، در آموزه‌های اسلام، دانشمندان دینی از جایگاه محوری و ویژه برخوردارند. آنان به عنوان جانشینان پیامبران صلی الله علیه و آله (ابی داود، بی تا: ج ۳، ص ۳۱۷)؛ و ستارگان هدایت<sup>۲</sup> (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۲۰، ص ۵۲) معرفی شده‌اند که این نشانگر اهمیت علم و عالم دینی است. از این رو، آنان با تمسک به کتاب و سنت، رسالت سترگی در مواجهه با انحرافات این آموزه بر عهده دارند.

بررسی سبک و اسلوب مواجهه علمای اهل سنت با انحرافات مهدویت، مبحثی است که نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته، که البته در این موضوع تا کنون پژوهشی مستقل صورت نپذیرفته است.

قابل ذکر است که در جریان‌های انحرافی مهدوی چند ساحت متصور است. توفیق یا عدم توفیق عالمان دینی در این عرصه یا بایسته‌ها و الزامات نسبت به انحرافات، از مواردی است که این نگاشته درصدد تحلیل آن نیست و تنها درصدد تبیین سبک‌هاست که بن مایه‌های آن در آموزه‌های دینی دیده شده است. علاوه بر آن، بیان رفتار و واکنش‌های آنان در این مسئله،

۱ «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِظِّ وَافِرٍ».

۲ «إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ، كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ، يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، فَإِذَا انْطَمَسَتِ النُّجُومُ، أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهُدَاةُ».

لزوماً به معنای تایید دیدگاه‌های آنان در عرصه‌های دیگر نیست و تنها در موضع مهدویت عملکرد آنان ملاک سنجش خواهد بود.

بنابراین، این جستار با مفروض گرفتن تاثیر علما در مواجهه با جریان‌های انحرافی، ابتدا به رویکرد آنان در مسئله مهدویت اشاره دارد و سپس در قالب سبک‌شناسی به سنجش کمیت و کیفیت این تاثیر می‌پردازد. از آن جا که اصحاب حدیث اهل سنت بیش‌تر از دیگر گروه‌ها به این موضوع پراخته‌اند، عمده بحث در میان اصحاب حدیث اهل سنت دنبال شده است و نقش آنان در این زمینه قابل توجه است.

### ۱. جریان‌شناسی رویکرد آموزه مهدویت در اهل سنت

اهل سنت با رویکردهای متفاوتی به مسئله مهدویت پرداخته‌اند که در این زمینه به شش محور کلی می‌توان اشاره کرد:

#### ۱-۱. منکران

دسته‌ای از آنان جزء «منکران مهدویت» به شمار می‌آیند. با بررسی مباحث مهدویت در آثار اهل سنت، منکران مهدویت در مقابل پذیرندگان این اصل، بسیار اندکند و قوت این آموزه، به اندازه‌ای است که فقط شمار اندکی به انکار آن جرات یافته، که بیش‌تر آنان نیز در قرون اخیر می‌زیسته‌اند؛ (در ادامه به این مطلب اشاره خواهد شد).

#### ۱-۲. سکوت‌کنندگان

گروهی دیگر «سکوت‌کنندگان» هستند که دو طیف از اهل سنت را شامل می‌شود: الف) برخی اصحاب حدیث مانند بخاری و مسلم؛ در صحیح مسلم و بخاری، به مسئله مهدویت اشاره‌هایی شده است؛ اما نسبت به دیگران بسیار اندک و ناچیز است؛ به نوعی آنان در این مسئله و جزئیات آن سکوت کرده‌اند. روزگار حیات بخاری و مسلم، دهه‌های اول تا ششم قرن سوم است که با ایام خلافت عباسیان همزمان است. در این دوران، ستیزه‌های کلامی و عقیدتی سراسر سرزمین‌های اسلامی را فراگرفته بود و دستگاه خلافت نیز، در این کارزار، به شدت درگیر شده بود.

محمد بن ساذل نیشابوری می‌گوید:



از بخاری در مورد «خلق قرآن» پرسیدم؛ گفتم: فرزندم! این پرسش شومی است. من شاهد بودم که از این مسئله، چه بر سر احمد بن حنبل آمد! پس با خودم عهد و قرار بسته‌ام که در این موضوع، هیچ سخنی نگویم (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ص ۴۵۷).

با این توصیف، وقتی عباسیان، در دعوی میان متکلمان، چنان خفقان و اختناق را بر مخالفان، حتی فقه‌های خودشان روا می‌دارند؛ در موضوعی چون مهدویت که بیش از همه مشروعیت حاکمیت عباسیان را به خطر می‌اندازد؛ چه برخورد سخت و کوبنده‌ای خواهند داشت!

عامل دیگر سکوت این دو محدث را می‌توان بی‌اعتنایی، بلکه بداعتقادی نسبت به آل الرسول ﷺ، فضایل و مناقب ایشان و حتی اخبار و روایاتشان دانست. عدم نقل روایت غدیر در صحیحین با وجود تواتر آن در میان اهل سنت گواه این مسئله است.<sup>۱</sup>

ب) متکلمان اهل سنت: علم کلام را به اختصار «دفاع عقلانی از دین» تعریف کرده‌اند (قراملکی، ۱۳۷۸: ص ۴۳). بنابراین، از متکلمان نباید چندان توقع داشت که در آثار خویش مباحث مهدویت را پی‌بگیرند؛ چنان‌که در بسیاری از کتاب‌های معروف و معتبر کلامی، مطلبی در این باره یافت نمی‌شود. این نیافتن، دلیل بر انکار یا عدم توجه متکلمان اهل سنت به این موضوع نیست، بلکه با توجه به موضوع علم کلام و تکیه داشتن مباحث مهدویت به ادله نقلی، برای طرح این نوع مباحث در کتاب‌های کلامی جایی نمی‌ماند. دیگر این‌که موضوع مهدویت، نزد اهل سنت، جایگاه رفیع و بلند شیعی را ندارد و نگاه آنان به این مسئله، بازگشت به امامت و خلافت است. هسته اصلی و مرکزی فکر شیعه بر محور امامت می‌چرخد و بیش‌ترین کتاب‌های شیعی در این زمینه نوشته شده؛ ولی مقوله امامت و خلافت، نزد اهل سنت مسئله‌ای فرعی است. برخی از بزرگان اهل سنت، به این مسئله تصریح دارند که به خاطر روش مشهور، مسئله امامت را نیز در کلام بحث کرده‌اند؛ و الا کلام جای مباحث امامت نیست (غزالی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۳).

۱. ر. ک: تاجری‌نسب، غلامحسین، فرجام‌شناسی حیات انسان، ص ۱۲۱.

### ۱-۳. پذیرش اصل مهدی بارویکرد تبدیل در مصداق

این گروه اصل وجود مهدی را قبول دارند؛ اما آن مصداق آخر زمانی با ویژگی نسبی، مانند از نسل پیامبر بودن، مورد پذیرش آنان نیست؛ زیرا مهدی را از خاندان اهل بیت خارج و مصادیق دیگری برای آن ارائه کرده‌اند. قیام محمد بن عبدالله بن تومرت<sup>۱</sup> و مهدی سودانی<sup>۲</sup> در شمال آفریقا که با ابزار مهدی و مهدویت توانستند جامعه را به سمت خود بکشاند؛ نمونه‌ای از این تبدیل مصداقی است.

### ۱-۴. پذیرش مهدویت با رویکرد حداقلی

گروهی از اهل حدیث، با نگاهی مدقانه و سخت‌گیرانه به جرح و تعدیل احادیث منقول از پیامبر در موضوع مهدویت نظر دارند. سلفیان و وهابیت را می‌توان شاخص‌ترین ادامه دهندگان این گروه از اصحاب حدیث دانست. بنابر نقل اصحاب حدیث، احادیث رسیده در باب مهدی بیش‌تر از پنجاه حدیث و صدها اثر<sup>۳</sup> است که در آن‌ها صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد.

از علمای قرن سوم و چهارم، ابن ماجه در «سنن» (ابن ماجه، ۲۰۰۴: ص ۴۵۲)؛ ابوداود در

۱. وی اهل سوس (مراکش کنونی) از قبیله مضموده و از شاخه‌ای به نام «هرقه» بود و با ادعای مهدویت پایه‌گذار حکومت ۱۳۰ ساله «موحدون» شد.

۲. محمد احمد، فرزند عبدالله در سال ۱۸۴۸ میلادی در جزیره نبت سودان متولد شد. در کودکی نزد عالمان خارطوم دانش اندوخت و سپس به جزیره آبا رفت و ۱۵ سال در چاهی به ریاضت مشغول شد. وی درست زمانی که مردم از نظام برده‌داری به ستوه آمده بودند، ادعای مهدویت کرد و مردم هم پذیرفتند. در ۱۳۰۰ قمری، داعیانی نزد شیوخ قبایل فرستاد که: «من مهدی هستم و پیامبر به من بشارت داده بود». حاکم خرطوم، گروهی را به جنگ او فرستاد؛ ولی همگی در جنگ هلاک شدند و کار سودانی رونق گرفت. ژنرال گوردن از سوی دولت بریتانیا به نبردش شتافت؛ اما او هم کشته شد و کل خارطوم و سودان به دست مهدی سودانی افتاد. وی در جنگ با محمدسعید پاشا و عبدالقادر پاشا و افسران انگلیسی نیز پیروز شد. سرانجام: در ۲۱ ژانویه ۱۸۸۵ میلادی درگذشت و قبل از آن، عبدالله تعایشی را به جانشینی خود برگزید (رک: زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ۶، ص ۲۰؛ جیمز دامستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، ص ۶۲-۶۴ و حسین حجامی، جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۴۹-۱۶۲).

۳. تا قبل از احمد بن حنبل، حدیث‌گرایان را اصحاب اثر، یعنی آثار رسیده از پیامبر، صحابه و تابعین می‌خواندند و سنت را به اقوال پیامبر، صحابه، تابعین اطلاق می‌کردند. شافعی اولین نفری بود که سنت را بر آثار پیامبر اطلاق کرد و بعدی‌ها این را پذیرفتند.

«سنن» (ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۹)؛ ترمذی در «الجامع الصحیح» (فقیه ایمانی، ۱۴۰۲، ص ۴۳-۴۴)؛ احمد بن حنبل در «مسند» (حسینی جلالی، ۱۴۱۷: ص ۵۵-۶۸)؛ ابن ابی شیبہ در «مصنف» (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۱۲-۵۱۳). طبرانی در «المعجم الکبیر» (طبرانی، ۱۴۰۶: ج ۱۰، ص ۱۳۱-۱۳۷)، ابن حبان در «الصحیح» (ابن حبان، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۲۳۶-۲۳۹) و وهابیان همچون بن باز، مفتی اعظم وهابیت، البانی حدیث شناس مشهور معاصر و عبدالعظیم بستوی جزء این گروه می‌باشند.

از منظر این گروه از اهل سنت، قیام مهدی اصلتا رویکردی جمعی و کارکردی اجتماعی دارد. او صرفا انسان است و هیچ خصیصه خارق العاده و قدیس گونه در وی نیست. بارزترین صفت او این است که بر اساس اسلام حکم می‌کند و عدالت را در بین مردم گسترش می‌دهد.

#### ۱-۵. پذیرش مهدویت با رویکرد حداکثری

پذیرش حداکثری، به گروه دیگری از اصحاب حدیث گفته می‌شود که در استناد به احادیث و پیرو آن، به احادیث مهدی و آثار رسیده از صحابه و تابعین سهل می‌گیرند و در صورت تعارضات و تناقضات، در پی حل و جمع آن‌ها بودند و هیچ‌گاه با اصطلاحات جعل، وضع و ضعیف، رفع تناقضات و تعارضات را پی‌نمی‌گرفتند.

در راس این دسته اصحاب حدیث، نعیم بن حماد را می‌توان نام برد. وی با تالیف کتاب «الفتن» که از قدیمی‌ترین آثار در نوع خود است، با نقل روایاتی از صحابه و تابعین نگاه متفاوتی نسبت به گروه حد اقلی دارد. پس از وی، کتاب‌های دیگری، مانند «السنن الوارده فی التناثر» از ابوعمر و دانی (۴۴۴م)، «الملاحم» از ابن المنادی (۳۳۶ق)، «البعث و النشور»، از بیهقی (۴۵۸۲ق)، «مناقب المهدی» یا «اربعین حدیث فی المهدی و صفه المهدی» از ابونعیم اصفهانی (۴۲۰ق) را می‌توان نام برد.

از قرون میانی به بعد کتاب‌هایی هم‌چون «التذکره فی احوال الموتی و امور الآخرة»، از قرطبی (۶۷۱ق)، «ذخائر العقبی»، از محب‌الدین طبری (۹۴ق)، «خریده العجائب»، از ابن‌وردی (۷۴۹ق)، «العرف الوردی» از سیوطی (۹۱۱ق)، «کنز العمال» از متقی هندی (۹۷۵ق) و «مرقاہ المفاتیح»، از ملاعلی قاری (۱۰۴۱ق) با همین رویکرد به موضوع مهدویت پرداخته‌اند.

در این نوع نگرش، مهدی موعود شخصی بشری است که با توفیق الاهی، اهداف مقدس خود را پیش می‌برد. در موعود باوری این طیف از اهل حدیث، نجات بخشی مهدی، صرفاً اجتماعی است. قیام مهدی بنا بر نگرش این گروه از اهل سنت، بر رشد علوم و عقول تأثیری ندارد و بیش‌تر در جهت تامین عدالت، امنیت و رفاه است. بنابراین، موعود آنان کارکرد معنوی خاصی ندارد. ادیان در این دوران حضور آزادانه دارند؛ ولی بر گرایش به اسلام افزوده می‌شود. بنابراین، او امام عادل است که تمام سعی‌اش سعادت دنیا و رفاه حال مردم است. از نکات دیگر این طیف، این‌که حوزه نجات‌بخشی مهدی در گستره مناطق اسلامی است. نگاه جهانی در آنان کم‌رنگ است و موعود آنان موعود پایانی نیست؛ زیرا قیام او به پایان دنیا منجر نمی‌شود؛ اما این قیام، نقطه عطفی در تاریخ عالم به حساب می‌آید.

#### ۱-۶. پذیرش حداکثری با رویکرد شیعی

مهدویت، در این گروه با شیعه تا حدودی عینیت دارد و لذا به «سنیان دوازده امامی» و «سنیان متشیع» معرفی گردیده‌اند. با نگاهی به تاریخ قرن‌های چهار و پنج، کسانی را در میان اهل سنت می‌توان یافت که بعضی از آموزه‌های تشیع را با کمی تغییر مفهومی پذیرفته‌اند. این گرایش با گسترش تصوف در میان مسلمانان سنی، به خصوص بعد از مطرح شدن بحث «انسان کامل» در تصوف، فزونی یافت.

در این گروه می‌توان به بزرگانی مانند محمد بن طلحه شافعی (م ۵۲عق)، «صاحب» «مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول»، سبط ابن جوزی (م ۵۴عق)، محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۵۸عق)، مؤلف «البيان فی اخبار صاحب الزمان» و نویسنده «تذکره الخواص» و ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵عق)، «صاحب فصول المهمه» اشاره کرد.

این دسته از سنیان، در فقه پیرو یکی از فقه‌های اربعه بوده و خلفا را پذیرفته‌اند. بعضی از اینان در باب حضرت مهدی علیه السلام کتاب نوشته و گاه تمام آموزه‌های شیعی را در باب مهدویت پذیرفته‌اند. علمای امامیه نیز در تأیید آموزه‌های خویش در باب مهدویت بیش‌تر به این دسته نظر داشته‌اند و این افراد را مؤیدان دیدگاه امامیه دانسته‌اند. در این زمینه می‌توان به کتاب «کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار»، اثر میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق)، اشاره کرد که حدود ۳۹ نفر از این علما را بیان کرده است.

بنابر دیدگاه بیش‌تر این گروه، مهدی علیه السلام از اولاد امام حسین علیه السلام و فرزند امام حسن

عسکری علیه السلام است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری متولد گردیده؛ اکنون زنده و از دیدگان غایب است و در آخرالزمان، هرگاه خداوند صلاح بداند، همراه با نزول عیسی ظهور خواهد کرد. این عقیده بر خلاف گروه‌های قبلی است که مهدی را از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام می‌دانند و معتقدند وی هنوز به دنیا نیامده است. در دیدگاه این گروه از اهل سنت، مبحث غیبت نیز مطرح است و مهدویت آنان دارای کارکرد کیهانی است و در زمزمه موعودهای پایانی قرار دارد.<sup>۱</sup>

از میان این شش رویکرد، سه گروه اخیر عمدتاً به مبارزه با سه گروه اول پرداخته‌اند. بنابراین، در سبک‌شناسی اهل سنت با انحرافات مهدوی، بیش‌ترین دفاع از جانب این سه گروه که هر سه حدیثی هستند، صورت گرفته است که در ادامه در قالب دو سبک حدیثی و مدعیان دروغین به مواردی از آن اشاره خواهد شد:

## ۲. سبک‌شناسی اهل سنت در تقابل با انحرافات حدیثی

در تعریفی که از «سبک» ارائه می‌شود، تأکید می‌گردد که سبک هر فرد به شخصیت و طرز تفکر او بازگردانده می‌شود که این نیز به نوع تفسیر و تعبیر از تفکرها و نرم‌های اجتماعی مربوط می‌گردد. «سبک، یا شخصیت آدمی عبارت است از تعبیر و تفسیر دیگران از رفتارهای نسبتاً پایدار او» (رضائیان، ۱۳۸۵: ص ۳۷۷).

با توجه به رویکرد بحث حاضر، مفهوم «سبک» عبارت است از: برابری مبانی فکری، بینش‌ها و گرایش‌های شخص در قالب رفتار، گفتار و نوشتار که او را از دیگران متمایز می‌کند. البته هر شخص ممکن است سبک‌های گوناگونی را با تکیه بر اصول موضوعه بینشی و گرایشی واحد در ساحات و موضوعات مختلف به کار گیرد.

بنابر نکته پیش‌گفته، سبک‌شناسی مواجهه اهل سنت با انحرافات آموزه مهدویت، به معنای شناسایی شیوه برخورد آنان با این نوع انحرافات است. در این جا به چند نمونه از موارد حدیثی اشاره می‌شود:

۱. برای اطلاع بیش‌تر رک: فرمانیان و کامیاب، مجموعه مقالات همایش منجی موعود؛ انتشارات کتاب جمکران.



## ۲-۱. تبیین آموزه مهدویت

تصحیح آموزه مهدویت و باز پیرایی معارف آن از اعوجاجات، یکی از حوزه‌های وظایف اهل سنت است. آنان همواره با انحرافات و ناراستی‌هایی که در موضوع مهدویت دامن‌گیر امت اسلامی بود، مبارزه کردند و در صدد تصحیح باورها و اعتقادات مردم در این موضوع برآمدند. تبیین صحیح در مواجهه با انحرافات به دو گونه «دفاع از اصالت مهدویت» و «شخصیت‌شناسی امام مهدی» قابل بررسی است.

## ۲-۱-۱. تبیین اصل مهدویت در تقابل با منکران

با وجود تصریح به موضوع مهدویت در منابع اسلامی و اعتقاد مسلمانان به این آموزه، برخی اصالت مهدویت را انکار یا در آن تردید کرده‌اند. ابن خلدون (م ۸۰۸ق)، (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۶۰۷-۶۳۹)؛ رشیدرضا (م ۱۳۵۴ق) (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۹، ص ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۹۹-۵۰۱ و ۵۰۴-۵۰۶)، احمد امین مصری (م ۱۳۷۳ق) (احمد امین، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۴۶-۲۷۳)، محمد فرید وجدی (م ۱۹۵۴م) (وجدی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۴۸۰)، عذاب محمود الحمش (الحمش، ۱۴۲۲: ص ۵۲۹-۵۳۳)؛ از معروف‌ترین تردیدکنندگان، یا به عبارتی منکران مهدویت در اهل سنت می‌باشند. رویکرد آنان بیش‌تر نقد روایات مهدویت است. ریشه نقد روایات نیز به عواملی مانند ارزیابی سندی آن‌ها از روایات یا نوعی نگرش روشن فکری است (اکبر نژاد، ۱۳۸۷: ص ۲۶۲-۲۶۳).

بستوی به برخی از منکران مهدویت اشاره کرده است (بستوی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۳۰-۳۹)؛ اما شاید بتوان رساله «لامهدی ينتظر بعد الرسول خير البشر»، نوشته شیخ عبدالله بن زید آل محمود (م ۱۴۱۷ق)، که سلفی است، مناسب‌ترین منبع درباره منکران مهدویت اهل سنت و ادله آن‌ها دانست. او تفکر مهدویت را تفکری شیعی می‌داند که در میان اهل سنت رسوخ کرده است (آل محمود، ۱۴۲۳: ج ۳، ص ۴۹۳) و نیز احادیث مهدویت را موضوعه و از خرافات می‌داند (همان، ص ۴۹۶) و خطاب به دانشمندان و علما می‌گوید:

ای دانشمندان و دانشجویان و توده‌های مردم! آموزش و اعتقادمان باید بر این پایه استوار باشد که پس از پیامبر ﷺ هیچ «مهدی» ای در کار نیست؛ همچنان که بعد از پیامبر، هیچ پیامبری در کار نبوده و نخواهد آمد (همان: ص ۵۰۶).

جالب توجه آن‌که افرادی مانند ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) که مسئله مهدویت را پذیرفته‌اند، از



منظر وی به ناپختگی و عدم تبحر در علوم و فنون متهم شده‌اند؛ اما چون اجتهاد کرده‌اند، ماجور هستند (همان، ص ۵۰۱).

در مقابل این گروه قلیل، دانشمندان اهل سنت به دفاع از مقوله مهدویت پرداخته، با بیان صحت روایات این عرصه، به اصالت آن اعتبار بخشیده‌اند. «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»، تألیف احمد الصدیق الغماری (م ۱۳۸۰ق) و کتاب «تحذیق النظر فی أخبار الامام المنتظر»، نوشته شیخ محمد عبد العزیز بن مانع (م ۱۳۸۵ق)، بر رد کلام ابن خلدون نگارش یافته است. سید محمد صدیق حسن خان (م ۱۳۰۷ق) در «الإذاعة لما کان و ما یکون بین یدی الساعة» محمد بن جعفر کتانی (م ۱۳۴۵ق)، در «النظم المتناثر من الحدیث المتواتر»، از دیگر کسانی هستند که فصلی را بر رد ابن خلدون تدوین کرده‌اند. کتاب «المهدی و احمد امین»، نگارش محمد علی زهیری نجفی و کتاب «مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه»، به نگارش محمد امین زین الدین (م ۱۴۱۹ق)، ردیه‌هایی است بر احمد امین مصری و همچنین کتاب «الی مشیخة الازهر»، تألیف شیخ عبد الله سیبیتی عراقی ردیه دیگری است بر کتاب «المهدویة فی الاسلام» نوشته سعد محمد حسن.

کتاب «الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی»، اثر عبدالمحسن العباد، یکی از برجسته‌ترین آثار این عرصه است که در مقابل کتاب شیخ عبدالله بن زید آل محمود، به دفاع از موضوع مهدویت پرداخته است.<sup>۱</sup> همچنین کتاب «الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر»، نوشته شیخ حمود بن عبد الله تویجری، از استادان دانشگاه اسلامی مدینه، ردیه دیگری است بر عبدالله بن زید آل محمود (ر.ک: فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ص ۱۴-۱۵).

## ۲-۱-۲. تبیین شخصیت مهدی موعود

در شخصیت شناسی امام مهدی، در روایات، نام (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۲۰۲ و ابی داود، بی تا: ج ۴، ص ۱۰۶)؛<sup>۲</sup> نسب (ابی داود، بی تا: ج ۴، ص ۱۰۷؛ طوسی: همان)؛<sup>۳</sup> اوصاف

۱. این اثر توسط سید هادی خسروشاهی به فارسی با عنوان مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت ترجمه شده است.

۲. ر.ک: «من أهل بیتی یواطئ اسمه اسمی؛ إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عِترَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي».

۳. «المهدی من عترتی من ولد فاطمة...».

ظاهری (همان)؛<sup>۱</sup> حتمی بودن قیام (همان، صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۵۸)؛<sup>۲</sup> مشخص شده است. با این وصف، برخی از منابع روایی اهل سنت، به شکل دیگری امام را معرفی کرده‌اند. از این رو، عالمان سنی به بررسی جرح و تعدیل آن روایات پرداخته‌اند که به سه سنخ از این روایات اشاره می‌شود:

## ۲-۱-۲-۱ حدیث این همانی عیسی و مهدی

در برخی متون اهل سنت، روایتی مبنی بر این که عیسی بن مریم علیها السلام همان مهدی علیه السلام می‌باشد، نقل شده است. ابی عبدالله محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی در «سنن» خود این روایت را از پیامبر خدا با عبارت «... وَلَا الْمَهْدِيُّ إِلَّا عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ»<sup>۳</sup> نقل کرده است (ابن ماجه، ۲۰۰۴: ص ۴۴۳).

با توجه به این روایت، برخی معتقدند مهدی، همان عیسی بن مریم است؛ به طوری که از کلام ابن القیم جوزی برداشت می‌شود، برخی از اهل سنت بین مهدی و عیسی تفاوتی قائل نیستند. ابن القیم می‌گوید: اصولاً احادیث مربوط به مهدی چهار نوع است: صحاح، حسان، غرائب، مجعول و بر همین اصل، مردم در خصوص این مسئله، چهار دیدگاه پیدا کردند: یکی این که مهدی، همان مسیح بن مریم است (ابن قیم، ۱۳۹۱: ص ۱۴۸-۱۵۳). از این رو، عالمان دینی اهل سنت در دفاع از شخصیت مهدی این روایت را با دو دلیل به نقد کشانده‌اند.

## الف) ضعف سندی

این روایت از محمد بن خالد الجندی نقل گردیده است که حاکم نیشابوری، بیهقی و دیگران او را مجهول یا متروک می‌دانند (مزی، ۱۴۰۰: ج ۲۵، ص ۱۴۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۵۳۵؛ عسقلانی، ۱۳۲۶: ج ۹، ص ۱۴۳؛ علی ناصف، بی‌تا، ص ۳۴۱، حلوانی؛ ۱۳۰۸: ج ۱، ص ۴۵؛ آلوسی، ۱۳۰۱: ج ۱، ص ۷۹؛ قرطبی، بی‌تا: ص ۶۱۶ و سیوطی، ۱۳۸۵: ص ۴۱ و ۵۳) و

۱. «المهدی من اجلی الجبهه اقلی الانف یملا الارض قسطاً...».

۲. «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».

۳. حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ الشَّافِعِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْجَنْدِيِّ، عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «... وَلَا الْمَهْدِيُّ إِلَّا عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ». این حدیث به خاطر محمد بن خالد که مجهول است و ابان بن زید بن ابی عیاش که متروک است. (به دلیل اتهام کذب، فسق، غفلت یا کثیرالوهم به او = نزهة النظر، ص ۲۳)، مورد قبول نیست.

عظیم آبادی ابان بن صالح را متروک می‌داند (عظیم آبادی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ص ۲۴۴). از معاصران، بستوی در «الموسوعه فی احادیث المهدي الضعيفة و الموضوعة» به ضعف روایت مذکور اشاره دارد (بستوی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۰۴) البته بستوی روایاتی دیگر، با تعبیری مانند «المهدی عیسی بن مریم» را نقل می‌کند و آن‌ها را هم ضعیف می‌شمارد (همان، ص ۱۷۴-۱۷۶).

### ب: تعارض با روایات صحیح دیگر

بر اساس روایاتی دیگر در این منابع، مهدی غیر از عیسی علیه السلام و از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۲۰۲؛ ابی داود، بی تا: ج ۴، ص ۱۰۶) و در آن‌ها تصریح شده که عیسی، به حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند (کنجی شافعی، ۱۳۶۱: ص ۵۰۶؛ و حوی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۱۰۴۳). جالب توجه این که مقدسی شافعی، انگیزه تالیف در «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» را تصحیح انحراف، از جمله مهدی بودن عیسی دانسته است. سپس با توجه به سلسه سند، حدیث را نقد کرده است (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ص ۲۶). وی در باب دهم از کتاب خود با نام «فی أن عیسی بن مریم علیه السلام یصلی خلفه و یبایعه و ینزل فی نصرته»، به روایات متعدد می‌پرداخته است که این دو شخصیت را از یکدیگر متمایز می‌کند (همان: ص ۲۹۱). البته در میان شیعه هم به این حدیث مخالفت‌هایی شده است. علی بن عیسی علیه السلام (م ۹۲ق) در «کشف الغمة» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۸۵)، حر عاملی (م ۱۰۴ق)، در «اثبات الهداة» (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۲۵۶) و بحرانی (م ۱۱۰۷ق)، در «حلیة الابرار» (بحرانی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۴۷۸)، با استناد به متون اهل سنت حدیث را نقد کرده‌اند.

### ۲-۲-۱-۲. تبیین نسب امام مهدی علیه السلام

در ارتباط با نسب حضرت در متون اهل سنت، گونه‌های مختلفی مانند حسنی یا حسینی، عباسی یا محمد علوی فاطمی وجود دارد. بیش تر سنیان بر این باورند که آن حضرت از نسل امام مجتبی علیه السلام و از فرزندان آن بزرگوار است؛ در حالی که تمامی شیعیان بر این اعتقادند که امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است و این باور، بخشی از ضروریات مهدویت نزد آنان است. مهم‌ترین دلیل آنان روایتی است از امیر المومنین علیه السلام در «سنن» ابی داود که حضرت به امام حسن علیه السلام نگاه می‌کنند و می‌فرمایند:

این پسر، آفاست؛ همان گونه که پیامبر ﷺ این نام را بر وی نهادند؛ و از نسل او، شخصی به دنیا خواهد آمد که همنام ایشان و در اخلاق، شبیه آن حضرت است؛ ولی در شکل و شمایل با وی شباهتی ندارد. آن گاه گستراندن عدالت را بر روی زمین توسط وی بیان داشتند (ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۸).

منذری (م ۶۵۶ق) در «مختصر سنن ابی داود» و حدیث را منقطع می داند (منذری، ۱۴۳۱: ج ۳، ص ۱۱۸)؛ زیرا ز لحاظ تاریخی اثبات نشده که سن ابی اسحاق سبعی، اقتضای روایت از امام علی علیه السلام را داشته باشد (اکبر نژاد: ۱۳۸۸، ص ۲۴۸). همچنین ابی داود در نقل حدیث می گوید «حَدَّثْتُ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْمَغِيرَةِ» که روشن نیست کسی که از هارون بن مغیره، برای ابی داود نقل کرده، چه کسی است (منذری، ۱۴۳۱: ج ۳، ص ۱۱۸). از معاصران هم البانی در «تعلیق بر سنن ابی داود» حدیث را ضعیف می داند (ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۸).

به هر رو، با این که این روایت از لحاظ سندی دارای ضعف است؛ بیش تر اهل سنت این روایت را پذیرفته و امام مهدی را از نسل امام حسن علیه السلام می دانند. از این رو، در این باره اختلاف چندانی بین اهل سنت دیده نمی شود.<sup>۱</sup>

اما درباره عباسی بودن، گفتنی است عباسیان برای مشروعیت بخشی به خلافت خود و جلب نظر توده های مردم مسلمان، به جعل و تحریف روایات دست زدند. آنان بر خلاف روایات صحیح که نسب مهدی موعود را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام می رساند، روایاتی بر ساختند و امام مهدی علیه السلام را منحصرأ از سلاله عباس، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کردند. احادیث «المهدی من ولد العباس عمی» (طبری، ۱۳۵۶: ص ۲۰۶ و سیوطی، ۱۳۸۵: ص ۱۷۴)؛ «المهدی من ولد العباس» (مروزی، ۱۴۲۳: ص ۲۶۵ و سیوطی، ۱۳۸۵: ص ۱۵۲)؛ نمونه این گونه روایات است.

برخورد دانشمندان اهل سنت با این سنخ روایات، دو گونه ترسیم شده است: برخی با نگاه «سلبی» به این دسته از روایات پاسخ داده اند؛ مانند تلقی کردن این روایات به مرسل، موضوع و یا ضعیف (رک: هیتمی: بی تا: ص ۳۲، سیوطی، ۱۳۸۵: ص ۱۷۴، بستوی، ۱۴۲۰: ص ۱۴،

۱ البته کنجی شافعی (البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۰۱) سلیمان بن ابراهیم قندوزی (ینایع المودة لذوی القربی، ج ۳، ص ۲۹۱) و مقدسی شافعی (عقد الدرر، ص ۴۶، ص ۱۳۲)؛ از جمله کسانی هستند که روایات حسینی بودن امام را نقل کرده اند.

البانی، ۱۳۷۹: ج ۱ ص ۹۳ و مناوی، ۱۳۵۶: ج ۶ ص ۲۷۸). برخی دیگر با جنبه «اثباتی» به تبیین نسب پرداخته‌اند؛ یعنی به روایاتی که گویای انتساب امام مهدی علیه السلام به فاطمه علیها السلام است؛ مانند «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» اشاره کرده‌اند (سجستانی، بی تا: ج ۴، ص ۱۰۷). و این دسته روایات را صحیح دانسته‌اند (هیتمی، بی تا: ص ۳۴؛ بستوی، ج ۱، ص ۲۰۳، مناوی، ۱۳۵۶: ج ۶ ص ۲۷۷ و البانی، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱).

بنابراین، اکثر اهل سنت امام مهدی را از عترت پیامبر می‌دانند و امروزه کسی به عباسی بودن امام مهدی قائل نیست.

### ۲-۱-۳. حدیث همنامی پدر حضرت با نام پدر پیامبر اسلام

در میان متون حدیثی اهل سنت، به نقل از پیامبر خدا به روایت «اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي» (ابن ابی شیبه، ۱۹۹۷: ج ۱، ص ۱۹۲؛ ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۶۰؛ ابی داود؛ ۱۴۳۰: ج ۶ ص ۳۳۷ و طبرانی ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۱۳۳) بر می‌خوریم که گویای آن است که نام پدر امام زمان علیه السلام با نام پدر بزرگوار پیامبر اسلام (عبدالله) یکی است؛ در حالی که این نقل، با مسلمات تاریخی و گزاره‌های حدیثی شیعه در تقابل است. از این رو، در میان اهل سنت، در این زمینه همداستانی ملاحظه نمی‌شود؛ اما برخی از آنان به این روایت اشکال کرده‌اند.

الف) در برخی از نسخه‌های روایی عبارت «اسم ایبه اسم ابی» نیامده است (کنجی شافعی، ۱۳۶۲: ص ۴۸۳-۴۸۴).

ب) راوی این حدیث، زائده بن ابی الرقاد الباهلی توثیق نشده، درباره او آمده است: «منکر الحدیث، لا أعرف خبره و لا أدری من هو» (عسقلانی، ۱۳۲۶: ج ۳، ص ۳۰۵). البته این حدیث با اسناد دیگری نقل شده که زائد در آن نیست و عبارت «اسم ایبه اسم ابی» در آن وجود دارد (ابن حماد، ۱۴۱۲: ص ۳۶۵).

ج) با اعتقاد برخی از دانشمندان اهل سنت که تصریح دارند نام پدر امام مهدی، امام «حسن عسکری» است، در تنافی است<sup>۱</sup> (طلحه شافعی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۵۲؛ سبط جوزی، ۱۴۰۱: ص ۳۲۵ و هیتمی، ۱۹۹۷: ج ۲، ص ۶۰۱ و ...).

۱ فقیه ایمانی در کتاب اصالت مهدویت می‌گوید: «۱۲۶ نفر از دانشمندان اهل سنت معتقد به ولادت امام مهدی به عنوان فرزند امام حسن عسکری می‌باشند» (اصالة المهدویة فی الاسلام، ۱۴۲۰: ص ۱۰۲).

گفتنی است برای این قسمت از حدیث در منابع، توجیهاتی ملاحظه می‌شود؛ مانند این که در واقع به جای «اسم ابی» جمله «اسم ابنی» بوده است (کنجی، ۱۳۶۲: ص ۴۸۳)؛ یا لفظ «اب» علاوه بر پدر، بر جد اعلا به بعد هم اطلاق می‌شود؛ یا در زبان عرب، لفظ اسم، شامل کنیه و صفت هم می‌شود؛ یا کنیه امام عسکری ابومحمد و عبدالله است (رک: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۱۰۳).

هرچند بعضی از این توجیه‌ها، مانند تصحیف ابنی به ابی، قابل توجه است؛ چنین به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از آن‌ها مبنای علمی و مستندی ندارد؛ به ویژه این که برخی از آن‌ها تأویلاتی دور از ذهن هستند و همه آن‌ها را با علامت سؤال روبه‌رو می‌کند. بنابراین، چند توجیهی که ذکر شد و آن‌چه مشابه این‌ها عنوان گردیده است: هیچ کدام نمی‌تواند راه‌حل اساسی برای این روایت تلقی شود. منطقی‌ترین راه حل مشکل این حدیث، همان احتمال زیادی بودن این قسمت است و این که عبارت «اسم ایبه اسم ابی» جزء اصلی حدیث نبوده و بعدها به دلایلی به آن اضافه شده است. شاهد اصلی این ادعا آن است که بخش اضافی (اسم ایبه اسم ابی)، در طرق زیاد دیگری که برای حدیث وجود دارد (ابو نعیم اصفهانی، ۳۱ طریق را برشمرده است)، وجود ندارد و همین نکته، برای تردید در صحت حدیث کفایت می‌کند. به این سبب، برخی از دانشمندان اهل سنت معتقدند این حدیث، موضوع و ساختگی است (رک، اکبر نژاد: ۱۳۸۸: ص ۲۳۴) و با مدعیان مهدویت عصر معصوم، مانند محمد عبد الله عباسی و قیام محمد بن عبد الله بن حسن، معروف به «نفس زکیه» سازگار است (همان).

## ۲-۲ تبیین مسئله علائم الظهور

یکی از مباحث مهم مهدویت و ظهور امام مهدی، موضوع «علائم ظهور» است که پیوسته منتظران در پی تحقق آن هستند و گاهگاهی که حادثه‌ای شبیه آن‌چه در احادیث ذکر شده، روی دهد؛ آن را نشانه ظهور می‌دانند. در دوره‌های مختلف، از روایات ظهور بهره‌برداری و ظهور مهدی قریب الوقوع تصور شده است؛ این‌گونه که برخی حوادث را بر پاره‌ای روایات علائم ظهور تطبیق می‌دادند.

متقی هندی، در کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان»، در صدد تبیین شخصیت شناسی مهدی و بیان علائم ظهور است؛ زیرا او علت گرایش به برخی از انحرافات را عدم اطلاع آنان به قواعد علمی و عدم احاطه به احادیث نبوی دانسته است (متقی هندی،



۱۳۹۹: ص ۶۷).

ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ق)، از دیگر اندیشمندان اهل سنت است که به بیان علائم ظهور پرداخته است. آن طور که از مقدمه کتاب وی به دست می‌آید، هدف مولف، مقابله با انحرافات و مهدیون زمانه است (هیتمی، ۱۴۲۸: ص ۲۸). وی در باب اول با استناد به احادیث پیامبر خدا ﷺ به سی و سه علامت اشاره کرده و در صدد تبیین دقیق علائم ظهور برآمده و در ضمن بحث خود به خصوصیات مهدی پرداخته است (همان، ص ۳۹-۶۳).

در دوران معاصر، با توجه به تحولات منطقه‌ای در میان اهل سنت، موج جدیدی از بحث علائم و نشانه‌های ظهور شکل گرفته است؛ به طوری که به انبوهی از کتاب‌ها با محتوای علائم و نشانه‌های ظهور برخورد می‌کنیم. امین محمد جمال الدین، کتاب‌های «القول المبین فی الأشراف الصغری»، «عمر أمة الإسلام وقرب ظهور المهدي ﷺ»، «رد السهام عن کتاب عمر أمة الإسلام»، «هرمجدون، آخر بیان یا أمة الإسلام»؛ را تالیف نموده است. فاروق الدسوقی کتاب‌های «القیامة الصغری علی الأبواب» و «البیان النبوی بانتصار العراقین علی الروم والترك وتدمیر اسرائیل» را تالیف کرده است.

کتاب «المفاجأة بشراک یا قدس»، نوشته عیسی داود؛ کتاب «حمی سنة ۲۰۰۰»، نوشته عبد العزیز مصطفی کامل؛ کتاب «هل ینتهی العالم سنة ۲۰۰۰»، به نگارش د. سلیمان المدنی؛ کتاب «المسیح المنتظر و نهاية العالم»، از عبد الوهاب عبد السلام طویلة؛ کتاب «أسرار الساعة» و کتاب «أشراط الساعة و هجوم الغرب»، نوشته فهد سالم؛ کتاب «المسیح الدجال قراءة سياسية فی أصول الديانات الكبرى»، به نگارش سعید آیوب؛ از دیگر مکتوبات با رویکرد علائم الظهور است.

نکات مشترک در میان کتاب‌های مذکور فوق استفاده از روایت‌های جعلی، غیر معتبر، تحریف در معنای روایت، تطبیق‌های احتمالی و بدون وجه، نزدیکی ظهور دجال می‌باشد که با توجه به گستردگی و نشر آن در جامعه به تبیین استدلالی به علائم الظهور نیاز مبرم و واضح دیده می‌شود.

از همین رو کتاب «الرد الأمین»، نوشته شریف مراد، رديه‌ای است بر کتاب‌های امین محمد جمال الدین (-page-4#page-1247/browse.php/book-1247/page-4#page-4) <http://shamela.ws/>  
 7). در این کتاب، ابتدا عدم پابندی مولف در انتخاب روایات صحیح، تطبیق نشانه‌های



ونزدیک بودن ظهور، عدم آزادی فلسطین تا ظهور مهدی، نقل‌های از اهل کتاب بدون استناد صحیح مورد انتقاد قرار گرفته است و سپس مباحث روایی منقول از مولف در ارتباط با نشانه‌های ظهور مورد اشاره و نقد واقع شده است.

کتاب فقه اشراط الساعة، رديه‌ای دیگر بر ادعاهای نویسندگان کتاب‌های انحرافی در زمینه نشانه‌ها بوده، مطالب آنان را از منظر مبانی رجالی و فهم حدیث اهل سنت، به ویژه سلفی‌ها بررسی کرده است. نویسنده این کتاب، یکی از نویسندگان سلفی معاصر مصری به نام محمد بن احمد بن اسماعیل المقدم است.<sup>۱</sup> وی تاکنون کتاب‌هایی با عنوان «المهدی»، «فقه اشراط الساعة» و «خدعة هرمجدون» را در زمینه مباحث مهدوی تالیف کرده است (<http://www.almukaddem.com/home>).

اگر چه این کتاب، مطالبی را به شیعیان نسبت می‌دهد که نشان از عدم درک صحیح مولف از شیعه می‌باشد؛ به خوبی در قسمت‌های متعددی از کتاب خود، به نقد محمد عیسی داود، فاروق الدسوقی و دیگر نویسندگان معاصر خود می‌پردازد و توانسته است اشتباهات آنان را برای خواننده تبیین کند. همچنین در قسمتی از این کتاب، ضوابطی در چگونگی تحلیل و استناد به روایت‌های «اشراط الساعة» بیان کرده است.

کتاب «تحذیر ذوی الفطن»، من عبث الخائضین فی أشرط الساعة والملاحم والفتن؛ از دیگر کتاب‌های انتقادی به کتاب‌های پیشین است. نویسنده این کتاب احمد بن ابراهیم ابی العینین مصری است.<sup>۲</sup>

این کتاب به نقد تعدادی از مدعیان و نویسندگان می‌پردازد؛ از جمله نقد بر «مطابقة الاختراعات العصرية لما اخبر به السيد البرية»؛ از احمد بن محمد الغماری؛ نقدی بردو رساله از شیخ ابوبکر جزائری؛ نقدی بر «جهیمان العتیبی»، از نقدی بر شکری مصطفی،

۱. وی متولد ۱۳۷۱ قمری در اسکندریه مصر است. وی از استادانی مانند وی عبدالعزیز بن باز، ناصر الدین البانی، محمد بن صالح عثیمین، حامد حسیب، اسماعیل عثمان بهره برده است. او با تاسیس موسسه الدعوه السلفیه به شهرت رسید (<https://www.goodreads.com/author>).

۲. وی متولد ۱۹۵۶ میلادی در کشور مصر می‌باشد. او در سال ۱۹۷۹ میلادی برای درس‌آموزی به یمن سفر کرده و پس از آن به عربستان رفت. در آن جا از افرادی چون ابن عثیمین، عبدالمحسن العباد، البانی درس فرا گرفت و در حال حاضر در ریاض به تدریس مشغول است (

<http://abuleenein.com/pageother-38.html>

مدعی مهدویت و همچنین نقدهایی بر کتاب‌های «یوم الغضب»، «سفر الحوالی»، «القیامة الصغری علی الابواب»، نوشته فاروق الدسوقی؛ «نقد المسیح الدجال»، نوشته سعید ایوب، نقد کتاب «اقترب خروج المسیح الدجال»، نوشته هشام کمال عبدالحمید، نقد کتاب‌های محمد عیسی داود و نقد کتاب «هرمجدون»، نوشته امین جمال الدین. این نویسنده ضمن نقد کتاب‌ها به اشتباهات آنان در موضوع تطبیق، جعل و تحریف روایات اشاره دارد. در این زمینه، کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد، مانند «تخریج الأحادیث والآثار الواردة فی کتاب هرمجدون»، از الشیخ مجدی بن سعد بن أحمد؛ «العلماء یردون علی أسطورة هرمجدون هل انتهی عمر أمة الإسلام، از حمدی شفیق؛ «الضعیف والموضوع فی أشراف الساعة وأخبار الفتن و الملاحم»، از الشیخ مبارک البراک و «الإفحام لمن زعم انقضاء عمر أمة الإسلام از الشیخ د. عبد الحمید هنداوی.

### ۳. سبک شناسی اهل سنت در تقابل با مدعیان دروغین

مدعیان دروغین مهدویت، همواره یکی از چالش‌های آموزه مهدویت به شمار می‌آیند؛ به طوری که در اهل سنت با مدعیان مهدی فراوان، مانند محمد بن عبدالله ابن تومرت مغربی، محمد بن یوسف جونیوری<sup>۱</sup>، محمد احمد بن عبدالله، معروف به مهدی سودانی و محمد بن عبدالله قحطانی<sup>۲</sup> رو به رو هستیم.

۱. وی از مدعیان مهدویت در هند در قرن دهم است. او در اواخر قرن نهم ادعای مهدویت کرد و در شهرهای مختلف عقیده خود را تبلیغ نمود. در پی آن، مورد تعقیب قرار گرفت و حکم قتل او توسط حاکم صادر گردید؛ اما او به منطقه خراسان حرکت کرد و در آنجا از دنیا رفت (دانش نامه جهان اسلام مدخل جونیوری).

۲. در روز اول محرم سال ۱۴۰۰ هجری، جماعتی که بعدها معلوم شد از جماعت سلفی محتسبه بودند به رهبری شخصی به نام جهیمان بن محمد بن سیف العتیبی مسجد الحرام را اشغال کردند. آنان درها را بستند و با استفاده از اسلحه به مدت دو هفته قبیله مسلمانان را در اشغال خود داشتند. از ابعاد مهم این حرکت که آن را منحصر به فرد می‌کند بیعت این جماعت با شخصی به نام محمد بن عبدالله القحطانی به عنوان مهدی منتظر و منجی است. در طول این مدت، بین این جماعت و نیروهای گارد امنیتی عربستان درگیری سختی در گرفت و پس از کشته و مجروح شدن شماری قابل توجه از هر دو

این مدعیان، با توجه به روحیه تصوف و زهدگرایی، به جذب مردم موفق گردیدند. آنان با تکیه بر جایگاه مردمی خود توانستند در جامعه جریان ایجاد و با سوء استفاده از بسترهای موجود در جامعه، مانند بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی علیه دولت‌های وقت قیام کنند. برخی مانند ابن تومرت و مهدی سودانی به تشکیل حکومت موفق گردیدند و برخی دیگر مانند محمد بن عبدالله قحطانی در این مسیر شکست خوردند.

توفیق این مدعیان در جریان سازی‌ها، به دلیل نگاه آنان به مسئله مهدی است. مهدی نزد بیش‌تر اهل سنت، انسانی عادی، مانند انسان‌های دیگر است. تفاوت او با خلفای دیگر در این است که خداوند به او توان «مهدی بودن» داده و بر تمام زمین چیره می‌شود. این امر در میان افرادی که دارای روحیه زهدگرایی و تصوف هستند، بیش‌تر است. آنان راحت‌تر از دیگران ادعای مهدویت می‌کنند و به سادگی صفات مهدی را در خود می‌یابند و خیلی زود به این باور می‌رسند که «مهدی» هستند.

در این زمینه، شناخت سبک اهل سنت نسبت به این نوع انحراف قابل توجه است؛ زیرا شیوه مبارزه آنان با این گونه جریانات، از نوع «مقابله» نبوده است و گاهی با نگاه همدلانه از کنار این جریانات عبور کرده‌اند؛ به طوری که در برخی از جریانات مهدوی، مانند جریان ابن تومرت با تشکیل دولت موحدون (۵۱۵-۶۶۸ق) در دوره عبدالمومن تا پایان دولت افرادی از بزرگان مالکی، چون ابن طفیل (م ۵۸۱ق)<sup>۱</sup>، ابن رشد (م ۵۹۵ق)<sup>۲</sup> و ابن زرقون (م ۵۸۶ق)<sup>۳</sup>، مناصب وزارت و قضاوت این حکومت را بر عهده داشتند و با آنان همکاری نمودند (عمر موسی، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷). از این رو، نوع مبارزه اهل سنت با مدعیان مهدوی قابل بررسی است

....→

- طرف، سرانجام به کمک نیروهای خارجی؛ به ویژه فرانسوی‌ها این غائله خاتمه یافت (آقا محمدی، مرتضی و جهانگیری، یحیی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۲).
۱. ابن طفیل، ابوبکر محمد بن عبدالملک بن محمد بن محمد قیسی، طبیب، فیلسوف، شاعر، و فقیه اندلسی است که در دولت موحدون به منصب وزارت رسید.
۲. وی فیلسوف نامدار عربی اندلسی است. کتاب «فصل المقال فی مابین الحکمة والشریعة من الاتصال» و «تهافت التهافت» از معروف‌ترین آثار وست. وی در دولت موحدون منصب قضاوت به عهده داشت.
۳. وی فقیه و محدث اندلسی است. دو کتاب «فقه حدیث بریره» و کتاب «قطب الشریعة» از اوست. وی منصب قضاوت دولت موحدون را بر عهده داشت.



که در ادامه به مواردی از این سبک اشاره می‌شود:

### ۳-۱. معرفی ماهیت انحرافی مدعیان

از جمله عواملی که باعث جذب مردم به جریان‌های انحرافی می‌شود، عدم شناخت کافی ماهیت این جریان‌ها است. از این‌رو، شناساندن آنان به مردم، یکی از رسالت‌های دین‌مداران است. معرفی ماهیت آنان در قالب‌های گوناگونی شکل می‌گیرد، مانند سخنرانی در اجتماع عمومی؛ مثلاً در مورد منصور اوشیرما که از اهالی چچن بود و خود را مهدی نامید؛<sup>۱</sup> امامان جمعه و جماعات مساجد مهم عثمانی، در خطبه‌های خود خواستار عدم حمایت از او شدند و ادعای مهدویت وی را ادعایی انحرافی دانستند (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۲۲۱)؛ یا شیخ عبدالعزیز بن صالح، امام و خطیب مسجد النبی ﷺ در یکی از خطبه‌های نماز جمعه، ضمن تشریح ابعاد و ریشه‌های جریان جهیمیان العتیبی، با تقبیح تجاوز به مسجد الحرام، آنان را گناهکار و متجاوز معرفی و عنوان و کرد که اعضای این گروه و مهدی ادعایی شان در یک وادی قرار دارند و مهدی موعودی که ذکر وی در احادیث آمده است، در وادی دیگر (خسروشاهی، ۱۴۱۳: ص ۱۶۱).

گاه معرفی ماهیت این جریان در قالب سخنرانی عمومی صورت نمی‌گیرد، بلکه از طریق صدور بیانیه و یا فتوا است. احمد بن حجر از فقهای شافعی، احمد ابو السرور بن صبا از فقهای حنفی، محمد بن محمد الخطابی از فقهای مالکی، علی بن یحیی بن محمد از فقهای حنبلی، ادعاهای این گروه (جونپوری) را مخالف روایات دانستند و علیه آنان فتوا صادر و این‌گونه استدلال کردند که هنگام ظهور مهدی، نشانه‌هایی مانند نزول حضرت عیسی، خروج دجال و قتل او، خروج سفیانی، خسوف در ماه رمضان، خسف در بیداء، ملکیت ارض و گسترش عدالت باید محقق شود که در این جریان انحرافی هنوز محقق نشده است (متقی هندی، ۱۳۹۹: ص ۱۸۰-۱۸۳).

نیز در جریان غلام احمد قادیانی، در ماه ربیع الأول سال ۱۳۹۴ هجری، مصادف با آوریل

۱. وی در سال ۱۷۸۵ میلادی در برابر روسیه حرکتی انجام داد. وی در سال ۱۷۹۱ دستگیر شد و در ۱۷۹۴ در زندان درگذشت. محمد بن عبدالوهاب مکناسی در رحله المکناسی که گزارش سفر او به حج است، از ادعای مهدویت او خبر داده است (المکناسی، ۲۰۰۳: ص ۱۰۵-۱۲۳).

سال ۱۹۷۴م کنگره‌ای توسط «رابطه العالم الاسلامی» در مکه مکرمه برگزار شد و در آن از اقصا نقاط جهان نمایندگان گروه‌ها و سازمان‌ها حضور یافتند و آن کنگره نیز کفر و خروج جماعت قادیانیه از دایره اسلام را اعلام کرد (سقاف: ۱۴۳۳: ج ۱۰، ص ۱۴۳).

### ۲-۳. برگزاری مناظره

برای کشف حقایق و شناخت واقعیت‌ها، مناظره، بحث و بررسی رو دررو، یکی از شیوه‌های قابل توجه برای رسیدن به هدف است. این شویبه حتی اگر بر اثر تعصب و لجاجت، مورد قبول واقع نشود، دست کم اتمام حجت را به دنبال خواهد داشت.

در میان اهل سنت، متقی هندی از این ویژگی برخوردار بود. در دوران طرفداران جونپوری می‌زیسته و با گروهی از طرفداران این مدعی، مراوداتی داشته است (متقی هندی، ۱۳۹۹: ص ۶۷). وی بر اساس همین مراودات و گفت‌وگوها، تالیفات خود را با رویکرد مهدوی سامان بخشید.

شیخ ابوالوفاء ثناء الله، امیر جمعیت اهل حدیث در جامعه هند بود. وی با میرزا غلام قادیانی به مناظره پرداخت و انحراف آیین او را آشکار ساخت. وقتی که غلام احمد باز به راه راست بازنگشت، از شیخ درخواست تحدی و مباحله کرد. ابوالوفا با وی به مباحله پرداخت؛ با این تحدی که آن کس که دروغ بگوید، بمیرد، در حالی که فرد راستگو زنده باشد. جالب توجه آن که چند روزی نگذشت که میرزا غلام احمد قادیانی در سال ۱۹۰۸م از دنیا رفت (عواجی، ۱۴۲۲: ص ۸۳۶). همچنین مناظره دیگری توسط مفتی محمود با سران دیگر قادیانی به نام میرزا ناصر احمد شکل گرفت. این مناظره نزدیک سی ساعت طول کشید. پارلمان مرکزی پاکستان به کفر و غیر مسلمان بودن این اقلیت حکم کرد (سقاف، ۱۴۳۳: ج ۱۰، ص ۱۳۷).

### ۳-۳. نهی از تعامل و هم زیستی با جریان‌های انحرافی

«نهی از تعامل با جریان‌های انحرافی» به عنوان یکی از سبک‌های مقابله با آنان اتخاذ شده است که این رویکرد می‌تواند، ماهیت انحرافی آنان را آشکار سازد. در نمونه اهل سنت می‌توان فرقه «قادیانیه» را مثال زد. تعدادی از عالمان پاکستان، متشکل از فخر عالم، شودی محمد صدیق، ملک غلام علی و علی عبدالقدوس، با همراهی از عالمان دیگر

پاکستان، در احکامی هر نوع فعالیت آنان را در اجتماع ممنوع اعلام کردند و این‌که آنان مسلمان نیستند و اگر خود را مسلمان محسوب کنند، جرم به حساب می‌آید. همچنین حق دعوت مردم به عبادتگاه خاص، به عنوان مسجد ندارند (عواجی، ۱۴۲۲: ص ۸۲۶-۸۲۷).  
عظیم آبادی در تقابل با این جریان، بعد از بیان اجمالی از ادعاهای آنان می‌گوید:  
بر هر مسلمانی واجب است گمراهی و ظلالت این مرد را (غلام احمد قادیانی) برای مردم بیان کند و همچنین همشینی با آنان حرام است (عظیم آبادی، ج ۱، ص ۳۱۳).

نکاح زن مسلمان با آنان باطل است و اگر مرد مسلمان با زن مسلمان ازدواج کند و سپس مرد جزء پیروان قادیانی قرار گیرد، زن از نکاح مرد خارج می‌شود و فرزندان او به مادر متعلق و مهریه کامل به آن پرداخت می‌گردد (سقاف، ۱۴۳۳: ج ۱۰، ص ۱۳۷). از جنبه‌های اقتصادی نیز معامله با آنان حرام اعلام گردید (همان: ج ۱۰، ص ۱۴۲) و مردگان آنان در قبرستان مسلمانان دفن نشود (همان، ص ۱۴۳).

### ۳-۴. برخورد قاطع

«قاطعیت معقول»، پس از بررسی جوانب مختلف در مسئله انحرافات مهدوی، نقش مهمی در حل و فصل امور خواهد داشت. اگر سستی و احتیاط بیش از حد در تقابل با انحرافات و مدعیان دروغین مهدویت وجود داشته باشد، اهداف ارزشی در زمان مناسب خود انجام نمی‌گیرد و صدمات جبران‌ناپذیری به وقوع می‌پیوندد.

البته قاطعیت به معنای دقت نکردن در اتخاذ تصمیم، بررسی نکردن جوانب مختلف مسئله، تصمیم‌گیری عجولانه، استبداد، برخورد خشن و عدم انعطاف در تصمیم نیست؛ بلکه قاطعیت به این معناست که وقتی اطلاعات لازم و دیدگاه‌های مختلف در مورد مسئله‌ای جمع‌آوری شد و بهترین راه حل مشخص و زمینه اجرای عمل فراهم گردید، باید با جدیت و ثبات لازم، تصمیم مناسب اتخاذ شود و با جدیت به مرحله اجرا درآید.

در جریان اشغال مسجد الحرام توسط جهیمیان العتیبی، سی تن از علمای بلند پایه سعودی از جمله بن باز و مسئول تولیت مسجد الحرام، ابن راشد به دولت اجازه داد به مسجد الحرام حمله کند و با استفاده از سلاح مسجد را از مهاجمان پس بگیرد. در متن فتوا آمده بود: ابتدا از این گروه درخواست شود که سلاح بر زمین بگذارند و تسلیم شوند. اگر

پذیرفتند، باید در دادگاه طبق قوانین شریعت اسلامی در مورد آن‌ها حکم شود؛ اما اگر مقاومت کردند باید اقدامات مقتضی در دستگیری آنان اتخاذ شود؛ حتی اگر اتخاذ این اقدامات به درگیری و مرگ کسانی بینجامد که تسلیم نشده‌اند (آقا محمدی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۴).

براساس این فتوا آنان به این گروه حمله ور شدند، تعدادی دستگیر گردیدند و تعدادی هم به قتل رسیدند.

این گروه با انگیزه‌های مختلف در مسجد الحرام دست به سلاح بردند؛ اما به نظر می‌رسد رویکرد وهابیت در این نوع مقابله بیش‌تر جنبه سیاسی و بین‌المللی داشت تا دینی. نوع مقابله وهابیت با آنان و ورود مشرکان، از جمله فرانسوی‌ها باعث حرمت شکنی خانه خدا گردید که از اذهان مخفی نخواهد ماند.

### نتیجه‌گیری

«مهدویت» از جمله باورهای اهل سنت به حساب می‌آید. این باور، آنان را به این رویکرد وا داشت تا در مواجهه با انحرافات این آموزه، به دفاع از آن بپردازند. دفاع از اصالت مهدویت، با بیان صحت و ارزش گذاری روایات تضعیف شده از جانب منکران و روشن فکران و همچنین تعریف ویژه و شاخص از مهدی آخر الزمان، همراه تبیین نسب و نام پدر حضرت؛ یکی از شاخص‌ترین عملکرد علمای حدیثی اهل سنت در این عرصه به شمار می‌آید.

اما در برابر تقابل با جریان‌های انحرافی مهدوی در میان اهل سنت، نوع مقابله با این گروه‌های منحرف یکسان نبوده است. در برخی موارد، مانند جریان ابن تومرت، نگاه همدلانه اتخاذ شده است. البته عدم درک از مهدی واقعی و تبدیل مصداقی آن و همچنین تاثیرات اجتماعی و سیاسی دوران در این زمینه بی‌تاثیر نبوده است. افزودنی است موارد تقابل ذکر شده همیشه به انگیزه دینی نبوده است؛ به طوری که در جریان جهیمیان العتیبی، دو گروه سلفی در رویارویی یکدیگر به حرمت شکنی خانه خدا دست زدند.

در نگاه کلی، قابل ذکر است که سبک علما در رویارویی با انحرافات آموزه مهدویت با رویکرد «پسینی» بوده است. اما آنچه انتظار می‌رود که مورد توجه ویژه قرار گیرد نوع مدیریت دانشمندان با این دست از انحرافات با رویکرد «پیشینی» است که با تعیین اهداف،



خط مشی‌ها و راهبردهای مشخص، زمینه اثر گذاری انحرافات را به حد اقل رساند. این نوع مدیریت در عرصه مهدویت نوع تفکر دور نگر و جامع برای مسلمانان ایجاد می‌کند و آموزه مهدویت را فهم پذیر می‌کند. در این مدیریت، دانشمندان با انتخاب اهداف صحیح و بازنمایی آموزه مهدویت زمینه را برای پیدایش انحرافات از بین خواهند برد.



## منابع

قرآن کریم

۱. آقا محمدی، مرتضی و جهانگیری، یحیی (پاییز ۱۳۹۴). قیام مهدی دروغین و اشغال مسجد الحرام در سال ۱۹۷۹ میلادی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۴، قم، آینده روشن.
۲. آل محمود، عبدالله بن زید (۱۴۲۳ق). مجموعه رسائل الشيخ عبدالله بن زید آل محمود، ریاض، مکتبه العبیکان.
۳. ابن حجر الهیتمی، أحمد بن محمد (۱۹۹۷م). الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق). القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر عليه السلام، دمشق، دار التقوی.
۵. ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۰۹ق). الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمة، بیروت، دارالاضواء.
۶. ابن ماجه قزوینی، ابی عبدالله محمد بن یزید (۲۰۰۴م). سنن ابن ماجه، لبنان، بیت الافکار الدولتیة.
۷. ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۶). مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. أبی شیبۀ کوفی، عبد الله (۱۴۰۹ق). المصنف فی الأحادیث والآثار، محقق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد.
۹. ابن حنبل الشیبانی، أحمد بن محمد (۱۴۱۶ق). مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: أحمد محمد شاکر، القاهرة، دارالحديث.
۱۰. أبوداود سجستانی، سلیمان بن أشعث (بی تا). سنن ابی داود، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، المکتبه العصریة.
۱۱. امین مصری، احمد (بی تا). ضحی الاسلام، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربی.
۱۲. البانی، محمدناصر الدین (۱۳۷۹ق). سلسلة الاحادیث الضعیفه، دمشق، دارالفکر.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۳۱ق). موسوعة الالبانی فی العقیده، صنعاء، مرکز النعمان للبحوث و الدراسات الاسلامیه و تحقیق التراث والترجمه.
۱۴. البستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم (۱۴۲۰ق الف). الموسوعة فی احادیث المهدی الضعیفه و الموضوعه، بیروت، دار ابن الحزم.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق ب). المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث والآثار الصحیحة، بیروت، دار ابن الحزم.

١٦. الترمذی، أبو عیسی (١٩٩٨م). *سنن الترمذی*، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
١٧. جعفریان، رسول (١٣٩١). *مهديان دروغین*، تهران، نشر علم.
١٨. حجاجی، حسین، (١٣٩٥). *جریان های انحرافی مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
١٩. حسینی جلالی، سیدمحمدجواد (١٤١٧ق). *الاحادیث المهدی فی مسند احمد بن حنبل*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
٢٠. حنبلی دمشقی، محمدبن ابی بکر (ابن القیم الجوزیه) (١٣٩١ق). *المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف*، تحقیق و تعلیق عبدالفتاح ابو غده، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه.
٢١. خسروشاهی، هادی (١٣٨٨). *مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب.
٢٢. رشید رضا، محمد (بی تا). *تفسیر المنار*، بیروت، انتشارات دارالمعرفة.
٢٣. رضائیان، علی (١٣٨٥). *میانی سازمان و مدیریت*، تهران، انتشارات سمت.
٢٤. الزرکلی، خیرالدین (١٩٨٩م). *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین، ط الثامنة.
٢٥. ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قذاوغلی (١٤٠١ق). *تذکره الخواص*، بیروت، موسسه اهل البيت.
٢٦. الحمش، محمود عذاب (١٤٢١ق). *المهدی المنتظر فی روایات اهل السنة و الشیعة الامامیه*، دراسة حدیثیه نقدیه، اردن - عمان، دارالفتح للنشر و التوزیع.
٢٧. ذهبی، محمدبن احمد (١٤١٣ق). *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب الأرنؤوط و همکاران، بیروت، مؤسسة الرسالة، بیروت .
٢٨. السقاف، علوی بن عبد القادر (١٤٣٣ق). *موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام*، بی جا، بی نا.
٢٩. سیوطی، عبدالرحمن (١٣٨٥). *العرف الوردی فی أخبار المهدی علیه السلام*، تحقیق: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية، تهران، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.
٣٠. طبرانی، سلیمان بن احمد (١٤٠٦ق). *معجم الكبير*، تحقیق: حمدی عبدالحمید السلفی، عراق، انتشارات وزارت اوقاف عراق.
٣١. العباد، عبدالمحسن بن حمد (١٣٨٦). *عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
٣٢. عز الدین، علی بن ابی الکرم (١٣٨٥ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت، ابن اثیر، دار صادر.
٣٣. عظیم آبادی، محمد اشرف (١٤١٥ق). *عون المعبود*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٣٤. علی فارسی بن بلبان (١٤١٨ق). *صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان*، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت، انتشارات مؤسسة الرسالة.

٣٥. عمر موسى، عز الدين (١٣٨١). *دولت موحدون در غرب جهان اسلام*، ترجمه: صادق خورشاه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
٣٦. غزالي، محمد (١٣٨٨ق). *الاقتصاد في الاعتقاد*، تحقيق دكتور عادل العواد، بيروت، انتشارات دارالامامة.
٣٧. فريدحجاب، محمد (١٤٠٤ق). *المهدى المنتظر بين العقيدة الدينية و المضمون السياسي*، الجزائر، نشر موسسى الوطنية للكتاب.
٣٨. فقيه ايماني، مهدي (١٤١٨ق). *اصالت مهدويت در اسلام از ديدگاه اهل تسنن*، قم، مؤلف.
٣٩. \_\_\_\_\_ (١٤٠٢ق). *الامام مهدي عند اهل السنه*، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمومنين عليه السلام.
٤٠. قراملكي، احمد فرامرز (١٣٧٨). *هندسه معرفتي كلام جديد*، تهران، دانش و انديشه معاصر.
٤١. قرطبي، محمد بن احمد (بي تا). *التذكرة في احوال الموتى*، قاهره، تصحيح و نشر احمد مرسى.
٤٢. متقى هندی، علاء الدين على بن حسام الدين (١٣٩٩). *البرهان في علامات مهدي آخر الزمان*، تصحيح على اكبر غفاري، قم، مطبعة خيام.
٤٣. محب الدين الطبري، احمد بن عبدالله (١٣٥٦ق). *ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى*، قاهره، مكتبة القدسى.
٤٤. المكناسى، محمد بن عبدالوهاب (٢٠٠٣م). *رحلة المكناسى (سفرنامه ١٧٨٥)*، تحقيق بوكبوط، محمد، امارات، دارالسويدى للنشر و التوزيع.
٤٥. المناوى القاهرى، زين الدين محمد (١٣٥٦). *فيض التقدير شرح الجامع الصغير*، مصر، المكتبة التجارية الكبرى.
٤٦. المنذرى، الحافظ عبد العظيم (١٤٣١ق). *مختصر سنن أبى داود*، تحقيق: محمد صبحى (أبو مصعب)، رياض، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع.
٤٧. اينترنتى:

<https://www.goodreads.com/author>.

<http://shamela.ws/browse.php/book-1247/page-4#page-7>.

<http://www.almukaddem.com/home>.

<http://abuleenein.com/pageother-38.html>.



